



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۶/۱۷

عبدالقیوم میرزاده

طالبان یا اهریمن مخالف انسان و انسانیت

پاکستان که خود بنا بر طرح های آشوب برانداز انگلیسی بر اساس ایدئولوژی اکسٹریمیسم مذهبی در نتیجه جنگ های خونین فرقه ای و مذهبی از نیم قاره هند در اگست سال ۱۹۴۷ وجود نامیوم پیدا کرد در نشیب و فراز موجودیت اش از همان آغاز پیوسته برای کشور های هندوستان، افغانستان و منطقه درد سر ساز بوده و امنیت منطقه را به چالش کشیده است. این کشور از همان آوان جدایی اش از هندوستان طبل اختلاف سرحدی را با افغانستان نواخت و مسئله کشمیر را بحیث یک زخم خونین شامل اجندای سیاست خارجی اش کرد. این کشور از آوان پیدایش بنیاد گرایی افراطی و فرقه گرایی مذهبی را بحیث یک وسیله برای تحقق استراتژی هایش در منطقه بکار گرفته و تا کنون از این طریق توانسته در معادلات منطقوی و جهانی امتیاز گیری کند. زیرا ایالات متحده امریکا و متحدین اش نیز به این بنیاد گرایی افراطی مذهبی در قبال حریف کمونیست شان یعنی اتحادشوروی سابق ضرورت مند بودند. در شرایط حاضر همچنان این پدیده ای شوم افراطیت مذهبی و تروریسم به اشکال طالب، داعش، بوکوحرام، النصره، الشبাব، الفتح، جیش محمد و سایرین در نبض سیاست ها و استراتژی های ایالات متحده امریکا و متحدینش علیه سوریه، عراق، فدراتیف روسیه، جمهوری خلق چین، هندوستان و سایر نقاط جهان جایگاه بخصوص داشته است.

پاکستان بعد از بقدرت رسیدن محمد داود خان بحیث رییس جمهور افغانستان فعالیت های آشوبگرانه پراکنده اش را در کناره های سرحد و در میان قبایل به یک فعالیت متمرکز با استفاده سوء از یکعده افغانهای تحصیل کرده در مراکز اسلامی با گرایش های اسلام افراطی و پیرو خط اخوان المسلمین مصرمتمرکز ساخته و به ایجاد گروپ ها و تنظیم های اسلامی بر ضد حکومت افغانستان مبادرت ورزید. بعد از لشکر کشی اتحادشوروی به افغانستان و اهمیت جیو استراتژی یک افغانستان سیلی از کمکها و تسلیحات از جانب ایالات متحده امریکا، کشور های ارو پایی، اسرائیل، کشور های عربی خاصاً عربستان سعودی و دیگران بر ضد حکومت افغانستان به پاکستان سرازیر شد تا بوسیله افراطیون مسلمان ساخته شده در پاکستان زیر نام مجاهد غرض تحقق اهداف شان که هر کدام از این کشور ها روایت های خاص خود را از این تجاوز صریح داشتند بر کشور ما افغانستان تجاوز کردند. در مجموعه این مداخلات و تجاوزات برای مجاهد سازی و تولید مجاهد با اندیشه های ضد افغانی ایجاد و راه اندازی مدارس تعلیمات مذهبی از جانب کشور های عربی و ایالات متحده امریکا نیز شامل بود. این تجاوزات با گذشت زمان ابعاد وسیع تر و وسیع تر بخود گرفته تا اینکه اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI بر اساس درخواست مقامات امریکایی و توافق کمپنی های نفتی یونیکال و برایداس در اکتبر سال ۱۹۹۴ از زباله های جهاد افغانستان گروهی وحشی از آدم نما ها تربیت شده در همان مدارس مجاهد ساز پاکستانی را برای تامین امنیت مسیر پایپ لاین گاز که کمپنی های فوق الذکر با جانب ترکمنستان انتقال گاز را تا بندر گوادر و کراچی عقد کرده بودند بنام طالبان را مسلح ساخته و زیر نظر مستقیم افسران ISI در مسیر مهندسی پایپ لاین ها یکجا با کارکنان کمپنی های یونیکال و برایداس تامین امنیت این مسیر را از سرحدات ترکمنستان و افغانستان تا بندر گوادر و کراچی عهده دار بودند. زمانیکه میانه شورای نظار - جمعیت اسلامی و برهان الدین ربانی روی تداوم قدرت ربانی با اداره استخبارات نظامی پاکستان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

برهم خورد، اداره ISI مطمئنترین و بهترین گزینه یعنی طالب را با تمویل مالی و لوژستیک کمی های یونیکال و برآیداس و در همکاری نزدیک با اداره استخبارات مرکزی امریکا CIA در دسترس داشتند. زیرا ایالات متحده امریکا بر علاوه مسایل مدیریت نفت و گاز آسیای میانه و در این جا ترکمنستان اهداف استراتژیک بزرگی را علیه فدراتیف روسیه، ایران و جمهوری خلق چین در نظر داشت به این سبب در همه این فعل و انفعالات اداره CIA در همه جا حضور فعال داشت. به این ترتیب پاکستان این گزینه را در سال ۱۹۹۶ بدسترس اجرا گذاشت و با معاملاتی که با قوماندانان محلی و والی های ولایات افغانستان که همه بدون استثنا غلامان و جیره خواران چندین ساله شان بودند انجام داد طالبان یا بهتر است بگوییم سربازان اجیر خود را در گام نخست در ولایت قندهار بصورت امتحانی بر آریکه قدرت نشاند و متعاقباً اداره ISI با اجرای همچو معاملات سایر ولایات کشور را نیز یکی پی دیگر به طالبان تسلیم کردند و به این ترتیب سیطره طالبان را در افغانستان تحکیم کرده و برای تحقق استراتژی شان در افغانستان محل جدیدی که همه مصارف اش را امریکا و بنابر صیغه باور تسنن و ضد ایرانی بودن این گروه وحشی عربستان سعودی نیز در این بخش پروژه طالبان مبالغ هنگفت را سرمایه گذاری کرد که اولین ثمره اش کشتار بیرحمانه دیپلماتان ایران در قونسلگری آنکشور در شهر مزارشریف بود.

طالبان که جمع طالب یا طلبه میباشد، در عرف معمول کشور ما شاگردانیکه نزد ملا مسجد که در گذشته ها حیثیت مکتب و مدرسه را داشته است خواندن قران و مناسک دینی را فرا میگرفته و در بسا موارد خدمه ملا و مسجد بودند طالب نامیده میشد. چنانچه در بالا نگاشتم با وسعت یافتن ابعاد مداخلات و جنگ افغانستان به منظور آماده سازی نیرو های تازه نفس برای جنگجویان ضد حکومت افغانستان که زیر نام جهاد به خرابکاری و نابودی زیر ساخت های اقتصادی و اجتماعی کشور ما مشغول بودند تحت حمایت مالی عربستان سعودی و حمایت بین المللی ایالات متحده امریکا و حمایت لوژستیک حکومت پاکستان مدرسه هایی را که اکنون به قول مقامات پاکستانی تعداد شان به ۳۵ هزار مدرسه میرسد و در آنها همین اکنون بیشتر از دو میلیون طلبه یا طالب مصروف تدریس میباشد تأسیس که در گامهای اولین جهاد افغانستان را از آن سیراب کردند و در قدمه بعدی بوسیله اداره ISI طالبان از همین قشر تأسیس و تا کنون تغذیه میشوند. در عده از این مدارس طلبه را برای عملیات های انتحاری نیز مغز شویی و آماده میسازند. استراتژیست های امریکایی، عربستان سعودی و پاکستان همه متفق القول به این عقیده هستند که هزینه ها و مصارف ساختار های شبه نظامی و آماده سازی فکری گروه های از انسانها در سنین فعال جسمی با اندیشه های افراطی و اطاعت کور کورانه که آنرا ارتش های سایه نیز میگویند به مراتب کمتر بوده و به بسیار سهولت از آنها میشود در هر نقطه از جهان چون غلام حلقه بگوش اجیر بهره برداری کرد تا مصارف برای ایجاد ارتش های تمام عیار نظامی برای مقاصد استراتژیک. به این ترتیب عربستان سعودی به منظور پخش وهابیت و اندیشه های عرب محوری خویش تقریباً در تمام دنیا همچو مدارس دینی را که با اسلام حقیقی هم در منافات میباشد تمویل مالی کرده و مدارس پاکستانی را تا همین اکنون تمویل میکند که شعار اساسی این مدارس جنگ یا جهاد علیه کفار است، همچنان در این مدارس شیوه های استفاده از سلاح های گرم و سرد، طریقه ساختن بمب های مختلف و کار با مواد منفجره و شیوه های ستر و اخفای مواد منفجره برای انتقال به محلات مورد نظر و سایر موارد فعالیت های تروریستی به طلبه ها تدریس میگردد، در یک جمعبندی از شیوه تدریس این مدارس به این نتیجه میرسیم که در این مدارس پاکستانی در قدم اول انسانها را از عقل کاملاً بدور میسازند یعنی بوسیله تبلیغ افراطیت مذهبی دریچه های عقل شان را کاملاً کور میکنند بعداً بجای آن افراطیت، تحجر، وحشت، بربریت، آدم کشی، قتل عام، و فعالیت های ضد انسانی را به ایشان به شیوه های گوناگون جابجا میکنند. بعد از به قدرت رسیدن طالبان در سال ۱۹۹۶ ایشان در وسط استدیوم ورزشی شهر قندهار شخصی را به نام عبدالله به جرم قتل به حکم قصاص در محضر عام که به قول احمد رشید نویسنده و ژورنالیست پاکستانی در محضر ده هزار نفر ساکنین قندهار تیر باران کردند و بعد از تیر باران این شخص طالبان حاضر در استدیوم چنان چنان با شور و شغف زاید الوصف شادمانه میکردند که گویی جشن بزرگ پیروزی را تجلیل میکنند.

کشور محبوب ما افغانستان بیشترین قربانی ها و خسارات هنگفتی را از ناحیه همین مدارس تروریست ساز پاکستان متحمل گردیده است متعاقباً هندوستان قربانی همین جهاد تروریستی و سایر نقاط جهان همچنان خسارات جانی و مالی را از ناحیه همین مدارس تروریست ساز متحمل شده اند. به قول منابع آگاه تقریباً همه تروریستانیکه فعالیت های بم گذاری، عملیات های انتحاری، تروریستی و خرابکاری را در اکناف جهان انجام داده اند یا فارغین همین مدارس

پاکستانی بوده اند و یا به نحوی از جانب افراطیون پاکستانی رهنمایی و اداره شده اند ولی تا کنون هیچ کشوری در جهان اقدامات عملی برای بستن دروازه های این مدارس تروریست ساز نکرده اند و با وصف پیشنهادات مکرر چند سال اخیر دولت افغانستان غرض تحت فشار قرار دادن حکومت پاکستان برای دوری از حمایت افراطیون و تروریستان و بستن دروازه های مدارس تروریست ساز متأسفانه جهان در این عرصه گوش شنوا نداشته است زیرا این تروریستان یا در بسا اکناف جهان چون افغانستان، عراق، سوریه، چین، کشمیر، ایالت سینکیانگ چین، کشورهای افریقای جنوبی، یمن، کنگو، سودان، سومالی، ایتوپیا، انگولا، اوگاندا، تانزانیا، نایجریا، چاد، تونس، الجزایر، مراکش و سایر کشورها مورد استفاده ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی و سایر جهانگشایان غربی میباشد. بناً برای مردم ما غرض رهایی از شر این بربریت و وحشت طالبانی و داعشی فقط یگانه راه فقط و فقط اتحاد همه مردم بر علیه این پدیده منفور افراطیت و همه دسایس پاکستان میباشد. مردم ما بصورت قطع باید درک کنند که هر نوع بی اتفاقی، تفرقه های عنوان شده قومی، زبانی، مذهبی و محلی از همین باب پاکستان صادر و تمویل میگردد بناً با همه آن افرادی که مردم را به نفاق و تفرقه ولو به هر عنوان که باشد تحریک میکند آگاهانه عنصر پاکستانی و دشمن افغان و انسانیت است با چنین افراد قطع مراد کرده و به دستگاه امنیتی، عدلی و قضایی سپرده شوند. فقط این مردم اند که میتوانند با اتحاد فکر و عمل شان کشور را از مهلکه بسیار خطرناک که هستی کشور ما را تهدید میکند نجات دهند. راه برون رفت اساسی اتحاد و شرکت فعال مردم در اداره کشور و همکاری فعال همه مردم با دستگاه های امنیتی کشور برای کوتاه ساختن دست پاکستان و غلام بچه اش طالب و قلع و قمع آنها میباشد. این مردم اند اعم از دارا و نادار، کارگر، دهقان، کسبه کار، دکاندار، مامور، کارمند، معلم و طبیب و همه اقشار کشور که باید آگاه شوند اگر دیر بجنبند نه تنها دولت خویش را از دست میدهند بلکه همه هستی شان به نابودی کشانده میشود. طالبان و داعشیان انسانهای با تعقل و اراده نیستند که با آنها مذاکره صورت گیرد. اگر آنها کمترین عقل و احساس انسانی میداشتند در ماه مبارک رمضان دست از مسلمان کشی بر میداشتند و به خواست دولت برای آتش بس حتی بصورت مؤقت لبیک میگفتند اما ما دیدیم که با حملات وحشیانه در ولایت های بغلان، فراه، هلمند، ننگرهار و انفجار انتحاری در جوار اداره کونترپارت کابل که با عث کشتار بیرحمانه مردم مسلمان، روزه به دهن و بیگناه ما شدند، بناً همه مردم تمام قوت و امکان خویش را برای نابودی کامل این گروه متحجر وحشی بکار گیرید و در هر موردی که میبینید منافع پاکستان را تأمین میکند مقاطعه و بایکات کنید. اگر کمترین احساس وطندوستی و حب الوطن در ما وجود داشته باشد از گرسنگی بمیریم ولی امتعه پاکستانی را استفاده نکنیم، تاجران ما بصورت خود جوش نه بر اساس سیستم تعرفه ها از ورود اجناس پاکستانی خود داری ورزند اگر ما به این طریق و راه های دیگر به پاکستان فشار بیاوریم آنها مجبور میشوند به خواست مردم ما لبیک بگویند و جلو وحشیان انسان ستیز و مسلمان ستیز خویش را بگیرند.